

زنان

سال سوم • بهمن و اسفند ۷۲ • ۷۲ صفحه • ۸۰۰

۲
● خانم
چرا سیاه می پوشی

● در خانه گرم و کوچکی
شورای کتاب کودکان

● زنان جشنوار
سیرده

● پرسشنامه نظر خواه
از خوانندگان





خواب خوش

رویایی دست یافتنی

با محصولات رویا

شرکت رویا تولید و عرضه کننده :

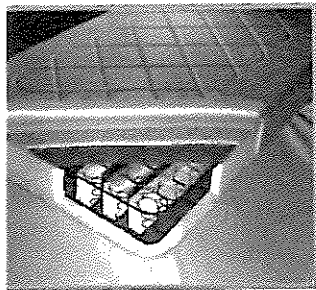
★ لحاف و سرویسهای ملحفه ★ تشکهای فنری و طبی در اندازههای مختلف

از بهترین و مرغوبترین مواد ، الیاف و پارچه



شرکت رویا
Roya Corp.

تهران - میدان ونک - نبش خیابان برزیل - ساختمان فلاح - واحد شماره ۶ - تلفن : ۰۷۳۹ ۲۲۶ - فاکس : ۵۴۳۹ ۲۲۶



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

زنان

سال سوم شماره ۲۲ بهمن و اسفند ۷۳



با امید کمال و رشد زنان
حلول سال نو مبارک

زنان نشریه‌ای است اجتماعی که یک بار در ماه منتشر می‌شود.

گزارش و خبر	۲	خبر:
	۴	خانم، چرا سیاه می‌پوشید؟ با کوشش لیلی پورزند
ادبیات	۲۲	مهمان اشتباهی: لیلیانا هکر، ترجمه مزده دقیقی
	۲۶	درخانه گرم و کوچک شورای کتاب کودک:
	۳۵	صبحانه (شعر): مسعود احمدی
	۳۹	کوتاه، درباره کتابهای تازه:
هنر	۶۳	چی‌مه: قباد آذرایین
	۶۲	نقش هنر: سپیده خانبلوکی
	۵۰	زنان جشنواره سیزدهم: الهام خاکسار
	۶۱	چهره‌ها (۲) سیمایی از نقاشان معاصر ایران، عکسهای مریم زندی:
حقوق		زنان از افتتاح حسابهای سپرده سرمایه‌گذاری برای فرزندان خود
	۴۴	محرومند چرا؟! مهرانگیز کار
علم	۱۸	این قدر چغلی نکن! لوسی امرسون مالیوان، ترجمه سهیلا پارسا
	۲۰	زنان در مصر: ترجمه ناهید فرخنده
	۳۶	مادر، چرا سرکار می‌روی؟! دایان هیلز، ترجمه الهه حاجتی
	۴۱	عقوت مجاری ادرار در زنان: استفان رای هافمن، ترجمه ندا سهیلی
	۴۸	کشفهای تازه درباره مغز زن و مرد: ترجمه علی اندیشه
	۶۴	چگونه بچه‌ها را به حرف بیاوریم؟ سندی شلتون، ترجمه افسون زمریدیان
	۶۸	دریغ از یک خواب راحت! کارولین جابز، ترجمه ثریا طالب‌زاده

● صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شهلا شرکت
 ● مدیر داخلی: رزا افتخاری
 ● طراح گرافیک: کوروش شبگرد
 ● امور مشترکین: شکوه اردلانی
 ● حرفه‌چینی کامپیوتر: معصومه رحیمی
 ● چاپ رنگی: هادی، تلفن: ۳۱۱۲۵۸۶
 ● چاپ متن: ممتاز، تلفن: ۳۱۱۸۰۳۲
 ● صحافی: شاهد
 ● روی جلد: کوروش شبگرد

● صندوق پستی: ۵۵۶۳ - ۱۵۸۷۵
 ● تلفن: ۸۳۶۴۹۸
 ● فاکس: ۸۸۳۹۶۷۴
 ● شماره سریال بین‌المللی: ۴۰۵۴ - ۱۰۲۱

License Holder & Editorial Director:
Shahla Sherkat

Zanaan is a Persian-language journal published monthly. Each issue contains articles and reports related to the women's problems.

زنان در زمینه فعالیت‌های، هنری، آموزشی و خدماتی آگهی می‌پذیرد.

زنان نو ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.

مطالب ارسالی بازگردانده نمی‌شود.

حقوق چاپ، انتشار و نقل مطالب، طرحها و عکسها برای مجله زنان محفوظ است.

خبر

برپایی سیزدهمین جشنواره فیلم فجر

سیزدهمین جشنواره فیلم فجر، از ۱۲ تا ۲۲ بهمن، با شرکت ۵۴ فیلم از سینمای ایران و نزدیک به ۲۰۰ فیلم از سینمای جهان، در دو بخش اصلی و جنبی برگزار شد.



در بخش اصلی، فیلمهای سینمای ایران به مسابقه گذاشته شد و بخش جنبی شامل عناوین جشنواره جشنواره‌ها، نمایشهای ویژه، فیلمسازان بزرگ و فیلمهای بزرگ، فیلمسازی در کشورهای مسلمان، سینمای ارمنستان و هنرهای دیگر، سینما و ادبیات چین و آلمان، ره‌آورد اصفهان، مروری بر آثار سرگمتی آیزنشتاین، (تئوریسن روسی سینما)، بزرگداشت گنجی میزگوچی (فیلمساز نامدار ژاپنی) و برپایی نمایشگاههایی به مناسبت آغاز سده دوم سینما بود. میهمانان خارجی سیزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر، تسی

چند از مدیران جشنواره‌های جهانی، نمایندگان دفاتر بخش فیلم، منتقدان و صاحب‌نظران سینمایی و سینماگران کشورهای مختلف بودند که تعدادی از آنان برای شرکت در سمینار «سینما در کشورهای اسلامی» در تهران حضور یافته بودند.

سینماهای آزادی، عصر جدید، آفریقا، کریستال، کانون، بهمن، ماندانا، شهر قصه، فلسطین، صحراء، سروش، فرهنگ، سپیده و فرهنگسرای خاوران و بهمن، محل نمایشهای فیلمهای جشنواره بود. سینما قدس به رسانه‌های گروهی، سینما فلسطین به دست‌اندرکاران سینمای ایران و سینماهای عصر جدید و سروش به میهمانان اختصاص داشت.

مراسم اختتامیه و اهدای جوایز به برگزیدگان جشنواره، بیست‌ویکم بهمن ماه، در تالار وحدت برگزار شد و داوران جشنواره سیزدهم، خسرو سینایی، ابراهیم حاتمی‌کیا، محمد رحبی، ابراهیم فروزش و جواد شمقدری، طی بیانیه‌ای آرای خود را بدین شرح اعلام کردند:

● جایزه بهترین فیلم اول: دیپلم افتخار بهترین بازیگر خردسال به آیدا محمدخانی (بادکنک سفید)، دیپلم افتخار به کاظم بلوچی، رضا مقصدی و کسریم هاتفی برای فیلمنامه (کوچه و موزه)، سیمرغ بلورین بهترین فیلم اول به جعفر پناهی (بادکنک سفید).

● جایزه بهترین فیلم دوم: دیپلم افتخار به علیرضا رئیس‌یان (سفر)، سیمرغ بلورین به شهرام اسدی (درد واقعه).

● جایزه اجرای بهترین جلوه‌های ویژه: دیپلم افتخار به ولی‌الله خاکدان (کاکادو)، سیمرغ بلورین به محمدرضا شرف‌الدین (کیما).

● جایزه بهترین تدوین: سیمرغ بلورین به حسین زندباف (حمله به اچ ۳).

● جایزه بهترین صحنه‌آرایی: سیمرغ بلورین به مجید میرفخرایی (درد واقعه).

● جایزه بهترین صداگذاری: سیمرغ بلورین به بهروز شهامت (ساز و ستاره).

● جایزه بهترین صدابرداری: سیمرغ بلورین به بهروز معاویان و اصغر شاهرودی (کیما).

● جایزه بهترین چهره‌پردازی: سیمرغ بلورین به عبدالله اسکندری (آخرین بندر د درد واقعه).

● جایزه بهترین بازیگر نقش دوم زن: سیمرغ بلورین به گلاب آدینه (دوسری آبی).

● جایزه بهترین بازیگر نقش دوم مرد: سیمرغ بلورین به علی مصفا (پری).

● جایزه بهترین سازنده موسیقی متن: سیمرغ بلورین به مجید انتظامی (درد واقعه).

● جایزه بهترین فیلمبرداری: سیمرغ بلورین به علیرضا زرین‌دست (پری).

● جایزه بهترین بازیگر نقش اول زن: سیمرغ بلورین به مینا لاکانی (دبدار).

● جایزه بهترین بازیگر نقش اول مرد: دیپلم افتخار به محمدرضا داوودنژاد (خلع سلاح)، سیمرغ بلورین به خسرو شکیبایی (کیما).

● جایزه بهترین فیلمنامه: دیپلم افتخار به احمدرضا درویش (کیما)، سیمرغ بلورین به رخشان بنی‌اعتماد (دوسری آبی).

● جایزه بهترین کارگردانی: سیمرغ بلورین به داریوش مهرجویی (پری).

● جایزه بهترین فیلم: دیپلم افتخار به حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی (حمله به اچ ۳)، سیمرغ بلورین بهترین تهیه‌کننده به بنیاد سینمایی فارابی (درد واقعه)، که این جایزه را محمد حسین حقیقی، مدیر عامل بنیاد فارابی به علیرضا شجاع‌نوری بازیگر فیلم (درد واقعه) اهدا کرد.

● سیمرغ بلورین، جایزه ویژه هیأت داوران، به احمدرضا درویش (کیما) تعلق گرفت.

تأسیس اولین دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی بانوان

اولین دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی برای زنان در دانشگاه الزهرا تأسیس می‌شود.

این دانشکده از سال تحصیلی آینده در دو رشته دبیری و آزاد در مقطع کارشناسی اقدام به پذیرش دانشجو می‌کند. از سال آینده ۶۰ دانشجو برای تحصیل در دوره‌های روزانه و شبانه این دانشکده پذیرفته خواهند شد.

پنج نفر از استادان زن با مدارک دکترا و کارشناسی ارشد به‌طور ثابت و ۱۰ نفر به صورت حق‌التدریسی در اولین سال تأسیس، در این دانشکده



تدریس می‌کنند.

یادآور می‌شود که طرح تأسیس دانشکده تربیت بدنی بانوان، ۱۹ آذر ماه سال جاری در شورای گسترش آموزشی عالی به تصویب رسید.

◀ برگزاری نمایشگاه برای حمایت از کودکان بی سرپرست

در بهمن‌ماه سال جاری نمایشگاهی از آثار نقاشان معاصر به جهت حمایت از کودکان بی سرپرست در گالری والی برگزار شد.

این آثار که همگی با تکنیک آبرنگ اجرا شده، به اهتمام استاد خرمی‌زاد و با شرکت ۲۱ نقاش زن و ۶ نقاش مرد که همه از شاگردان وی هستند، برگزار شد. عواید نمایشگاه به یکی از مراکز حمایت از کودکان بی سرپرست اختصاص داده شده است.

◀ فعالیتهای سیاسی زنان ژاپن رو به افزایش است

برخی از زنان ژاپنی اعتقاد دارند که هنوز مورد تبعیض واقع می‌شوند و عدالت میان زن و مرد رعایت نمی‌شود.

تلویزیون سی ان ان آمریکا ضمن اعلام این موضوع، خبر از تلاش زنان ژاپنی برای ورود گسترده‌تر به

عرصه سیاست داد.

در حال حاضر در پارلمان علیای ژاپن از ۲۵۲ عضو، ۳۸ نماینده زن هستند ولی از ۵۱۱ نفر عضو پارلمان سفلی این کشور، فقط ۱۴ نفر زن هستند. خانم مادوکا نماینده پارلمان به منظور ایجاد تحولاتی در جنبش سیاسی زنان، باشگاهی به نام «پنججاه» را بنیانگذاری کرده است.

این نام بدین منظور انتخاب شده که ۵۰ درصد نمایندگان پارلمان ژاپن باید زن باشند. سازمانی در آمریکا به نام «فهرست امیلی»، الگویی برای تأمین‌کنندگان هزینه‌های این سازمان بوده است.

از سال ۱۹۸۵ جمع‌آوری پول برای زنان نامزد نمایندگی از حزب دمکرات هدف تدوین این فهرست بوده است.

خانم مادوکا که رهبری «حزب جدید» ژاپن را دارد، اوایل سال ۱۹۹۴ اولین مدرسه علوم سیاسی زنان را پایه‌ریزی کرد. این مدرسه در حال حاضر ۷۰ دانشجو دارد. هدف این مدرسه، آموزش سیاست به زنان است و آنان را به فعالیت سیاسی ترغیب می‌کند.

◀ «دیسکاوری» به فرماندهی یک زن به فضا پرتاب شد

برای اولین بار یک زن فرماندهی سفینه فضایی را به عهده گرفت.

فضاپیمای «دیسکاوری» از پایگاه کپ کاناورال در آمریکا به فضا پرتاب شد. این سفینه قرار است در فاصله ۱۰ متری ایستگاه فضایی

«میر» روسیه پرواز کند.

اهمیت پرتاب اخیر دیسکاوری بدان لحاظ است که پس از ۲۰ سال دو سفینه از آمریکا و روسیه در فضا با یکدیگر ملاقات می‌کنند. این مقدمه تعبیه ایستگاه فضایی بین‌المللی تا چند سال آینده است.

◀ نیم‌قرن پژوهش در بیابان

ماریا رایشه که یکی از معتبرترین کارشناسان باستان‌شناسی به حساب می‌آید، امسال نودمین سال تولد خود را جشن می‌گیرد.

ماریا رایشه، مهاجر آلمانی مقیم کشور پرو، طی مراسم جشن تولدش که یک هفته طول می‌کشد، کلید شهر را به عنوان قدردانی از زحمات علمی‌اش از سوی نمایندگان دولت و دانشگاه پرو دریافت می‌کند.

خانم رایشه در سالهای بحران اقتصادی جهان، اوایل دهه ۳۰ میلادی به پرو مهاجرت کرد. او در سال ۱۹۴۱ در گوشه‌ای از یک بیابان وسیع، به طور اتفاقی شکل کنده‌کاری شده‌ی یک میمون را روی زمین می‌بیند و با کنجکاوای خطوط آن را تعقیب می‌کند. این تعقیب باعث می‌شود که بقیه نقوش کنده شده، متعلق به حیواناتی مثل ماهی و پرندگان استوایی، که در منطقه‌ای به وسعت ۵۰۰ کیلومتر مربع پراکنده بود، کشف شود. اکنون ۵۰ سال است که خانم رایشه روی این تصاویر و نقوش مشغول مطالعه و تحقیق است.

این تصاویر و نقوش را شبکه خطوط مدار مانند منحنی‌های حلزونی در خود گرفته‌اند، به طوری

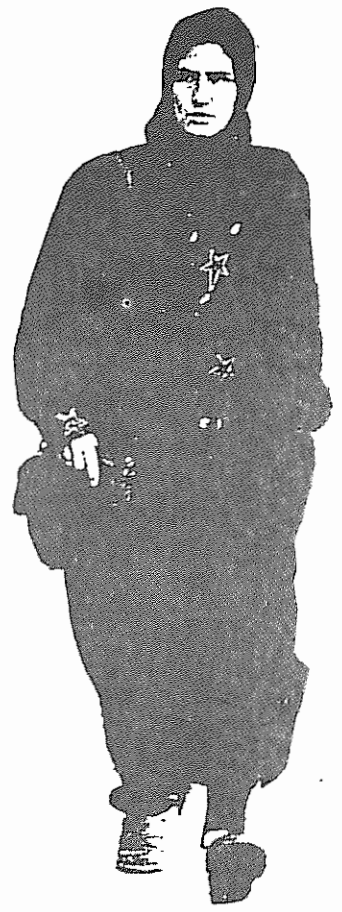
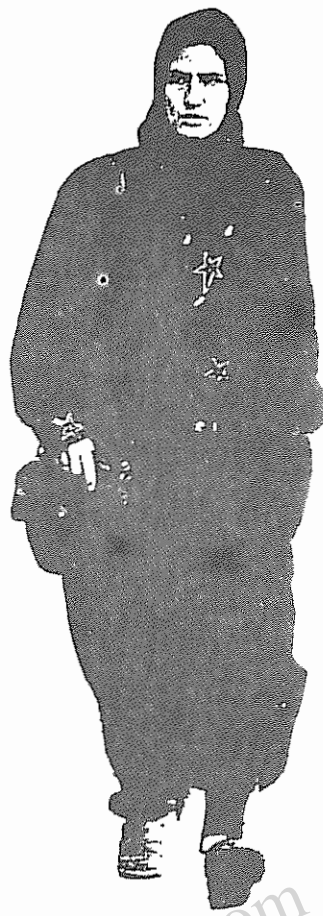
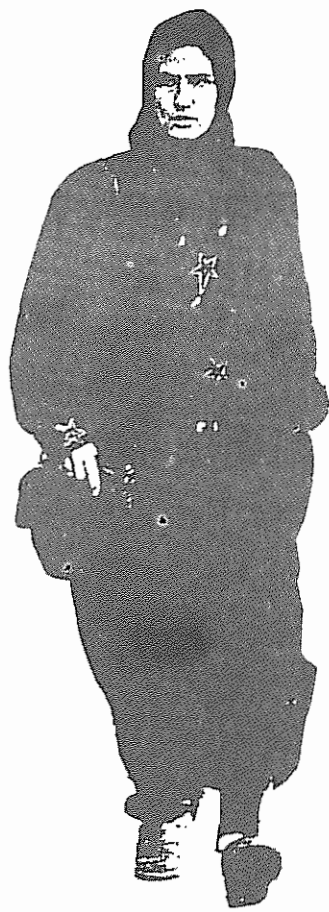
که نقشه صورفلکی و مدارهای گردش ستارگان را به یاد می‌آورند.

ستاره‌شناسان معتقدند که این تصاویر و خطوط، نوعی تقریب آسمانی را بیان می‌کنند که سرخپوستان ساکن این منطقه در دو هزار سال پیش، از روی آن زمانهای مناسب برای فعالیتهای کشاورزی مثل بذرافشانی و برداشت محصول و با برگزاری جشنها و مراسم نیایش را تعیین می‌کرده‌اند. دانشمندان از این مدارها و صور فلکی، همچنین پیام دادن به خدایان را که سرخپوستان هنگام درخواست باران و یا فراوانی محصول به آن متوسل می‌شده‌اند می‌فهمند. جالب اینکه وسعت منطقه‌ای که این نقوش در آنجا کنده شده، آن قدر زیاد است که از سطح زمین نمی‌توان سر و ته آن را به درستی تشخیص داد و متوجه شکل کلی آن شد و حتماً باید با هواپیما از ارتفاع بالا آن را دید تا مجموعه تصاویر، خود را نشان دهد و چیزی از آن فهمیده شود.

خانم رایشه در این ۵۰ سال بدون حمایت و کمک سازمان یا اداره‌ای، تمام نقوش این بیابان وسیع را اندازه‌گیری کرده، از روی طرحها کپی برداشته و اصول ساختاری مجموعه را پیدا نموده است. او در سال ۱۹۷۴ دولت پرو را وادار کرد که منطقه مربوطه را حفاظت شده اعلام کند.

البته تا امروز به تمام سؤاها درباره این نقوش و طرحها جواب داده نشده، ولی این مسأله خانم رایشه را زیاد ناراحت نمی‌کند. او می‌گوید: «با یافتن هر جوابی، پنج سؤال تازه پیدا می‌شود و این زندگی را جالب می‌کند.» ■





● اگر در جامعه آزادی انتخاب رنگ حاکم باشد، کسی به دنبال این نیست که چیز غیر متعارفی در دیگری پیدا کند.

● یکبار که با لباس سفید از خانه بیرون رفتم، به من گفتند که رنگ لباسم فجیع است.

خانه

هیچ گفته‌ایم اگر در دنیا تنوع رنگ گسترش سیاهی، محیط غمبار

نبود، چه اتفاقات عجیب و ناگواری رخ می‌داد؟ اگر همه چیز سفید یا سیاه بود، چگونه اشیا و موجودات گوناگون را از یکدیگر باز می‌شناختیم؟ اگر رنگ نبود، روز و شب چگونه امکان ظهور و بروز می‌یافت؟ و از چه رو قلم آفرینش بر هر پدیده‌ای و موجودی رنگی زد و بر بعضی، چون آسمان و پرند و پاییز و گیاه و حتی چهره آدمی رنگها فشانند؟

اینک به گرد خویش نظر کنیم. چرا در محیط ما، شهر ما و پوشش ما از رنگهای روشن، خبر و اثری نیست؟ و چون نیست، حال ما چون است؟ چرا مردم بیشتر به سیاهی گرایده‌اند و بسیاری خود نمی‌دانند چرا؟! در آستانه بهار می‌رویم که از مردم، به ویژه از زنان پرسیم چرا سیاه می‌پوشند.

تقریباً همه روان‌شناسان و جامعه‌شناسان معتقدند که بین محیط و شخصیت تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد. گرچه در تحلیل نهایی می‌توان انتخاب رنگ را به گرایشها، ارزشها و پس‌زمینه‌های تاریخی و فرهنگی افراد مربوط دانست، ولی به هر حال ساختهای اجتماعی، رفتار و گرایش مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ما با انتخاب رنگهای تیره، محیطی غمبار و تیره می‌آفرینیم و این محیط غمبار و تیره ما را وامی‌دارد که رنگهای تیره انتخاب کنیم. ما محیط می‌آفرینیم و محیط ما را دوباره تکرار می‌کند.

● ببخشید، شغل شما چیست؟

○ خانه‌دار هستم.

● به نظر شما رنگ چه تأثیری در روحیه

افراد دارد؟

○ رنگ، حالات مختلف روحی افراد و تمایلات شخصی آنها را نمایان می‌کند.

● شما خودتان دوست دارید چه رنگی پوشید؟

○ مایل نیستم برای مانتو یا روسری از رنگ روشن استفاده کنم.

● چرا؟

○ فکر می‌کنم مناسب سنم نیست. البته فقط برای خودم دوست ندارم ولی از اینکه رنگ روشن را به تن دیگران ببینم شاد می‌شوم. متأسفانه استفاده از این رنگها در اجتماع خیلی کم شده‌است.

● فکر می‌کنید چرا این طور شده‌است؟

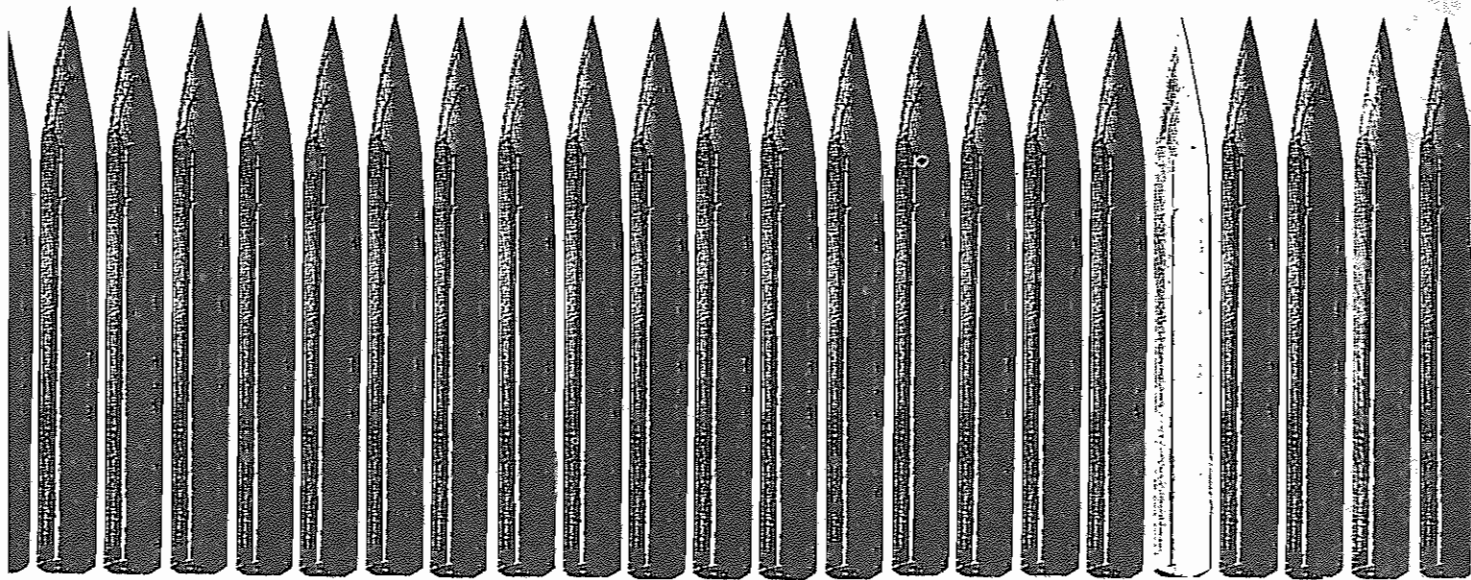
○ افراط در استفاده از هر چیز، نشانگر نوعی ناراحتی است و استفاده مداوم از رنگ تیره مثلاً مشکی در اجتماع هم نشان دهنده



با کوشش لیلی پورزند

چرا اسپاه می پوشید؟

- چه رنگی را بیشتر از همه دوست داری؟
 - قرمز.
 - توی خیابان هم قرمز می پوشی؟
 - بعضی وقتها.
 - احساس ناراحتی نمی کنی؟
 - اگر بینم بقیه هم می پوشند، نه خیلی ناراحت نمی شوم.
 - توی خیابان خیلیها قرمز می پوشند؟
 - بزرگترها کمتر ولی هم سن و سالهای من، خیلیها می پوشند.
 - اگر بزرگتر شوی، باز هم قرمز می پوشی؟
 - نه، سعی می کنم رنگهایی را بپوشم که توی چشم نمی زند.
 - فکر می کنی قرمز خیلی توی چشم
- می توانم بپرسم چرا مشکی پوشیده اید؟
 - در حال حاضر برای اینکه عزادارم.
 - ولی در مواقع عادی هم بیشتر از رنگ مشکی استفاده می کنم.
 - چرا؟
 - فکر می کنم رنگ خوبی است. این رنگ را دوست دارم.
 - عده ای معتقدند که استفاده گسترده از رنگ مشکی باعث شده که جامعه افسرده شود، نظر شما چیست؟
 - خوب این طبیعی است. چون به هر حال رنگ مشکی باعث افسردگی می شود.
- کسالت روحی جامعه است.
 - چرا مردم با این کسالت روحی خود مبارزه نمی کنند؟
 - نمی توانند، به خاطر قضاوت اجتماعی.
 - شما مذهبی هستید؟
 - بله، ولی فکر نمی کنم در مذهب ما ممنوعیتی در انتخاب رنگ وجود داشته باشد. تنوع رنگ، خللی در اعتقادات افراد وارد نمی کند.
- *
 - بیخشید خانم چند سالتان است؟
 - ۴۴ سال.
 - تحصیلاتتان چیست؟
 - لیسانس دارم.
- دختر خانم چند سالت است؟
 - ۱۱ سال.



● دوست ندارم دخترم با پوشیدن لباس روشن در معرض نگاههای خاص مردم که با تعلیمات خاصی رشد کرده‌اند، قرار بگیرد.

○ عکاس هستم و ۳۰ ساله.
 ● بلوز شما نارنجی است؛ همیشه رنگهای شاد می‌پوشید؟
 ○ همیشه نه.
 ● چه اوقاتی رنگ شاد می‌پوشید؟
 ○ وقتی شادم شاد می‌پوشم و اگر غمگین باشم، مشکی می‌پوشم.
 ● چرا سیاه را وقتی غمگین هستید می‌پوشید؟
 ○ چون سیاه، نشانه تهی بودن است، در عین حال سنگین و شیک است. سیاهی یعنی

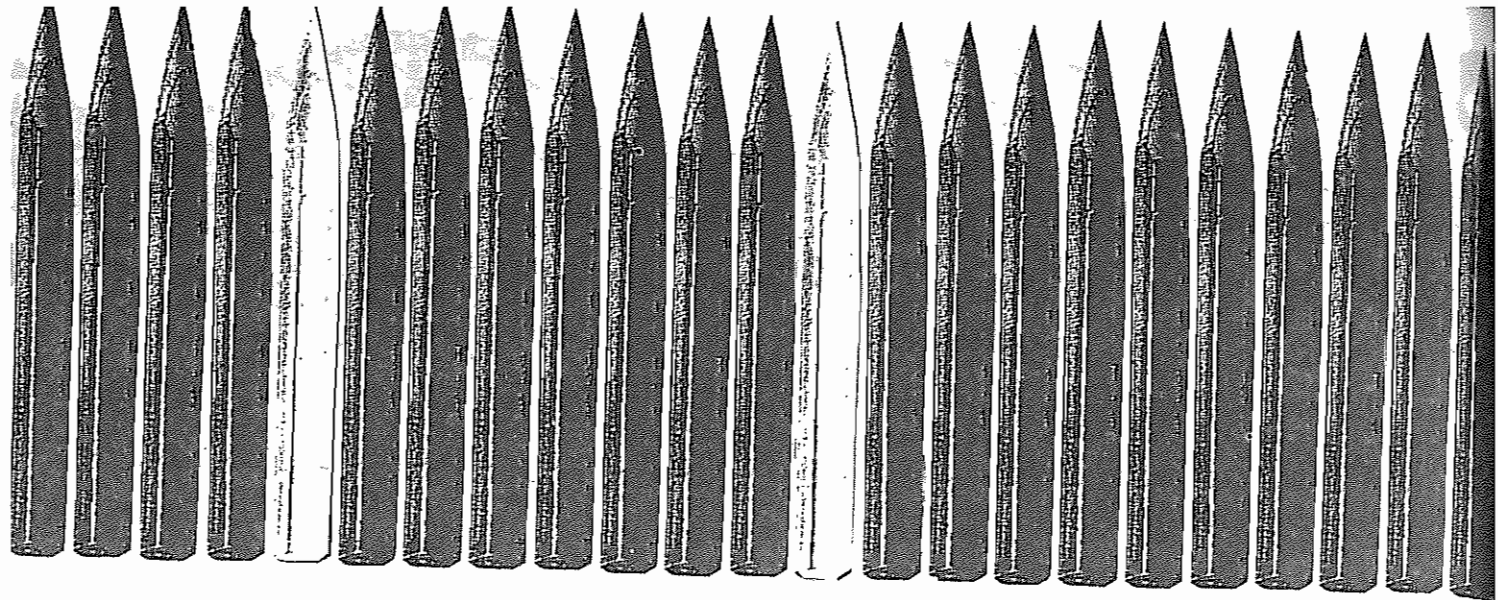


● چند سال دارید آقا؟
 ○ اگر از راست به چپ بخوانید ۳۷ سال، و اگر از چپ به راست یعنی ۷۳ ساله‌ام.
 ● شغلتان؟
 ○ مشاغل مختلفی داشته‌ام اما تحصیلاتم در رشته برق است.
 ● پیراهن روشنی پوشیده‌اید، همیشه از رنگهای شاد استفاده می‌کنید؟
 ○ زندگی شاد است و هدف زندگی شاد بودن است و هر کس غیر از این فکر کند گمراه است و ما باید سعی کنیم او را هدایت کنیم.
 ● نظر شما در مورد استفاده اکثر خانمها از رنگ سیاه چیست؟
 ○ در فرهنگ ما که سیاه نشانه غم و مرگ و نماینده عزاست، این رنگ باعث اندوه و غم می‌شود.
 ● فکر می‌کنید چرا اکثر خانمها سیاه می‌پوشند؟
 ○ در حقیقت سیاه پوشیدن ما اشتباه است و هیچ ربطی هم به مذهب ندارد. هر کس بگوید رنگ لباس به مذهب مربوط است، من برای او اثبات می‌کنم که در اشتباه است. این رنگ پوشش به ضرر خانمها است. در بسیاری از موارد این رنگهای تیره باعث آلودگی است و سبب به وجود آمدن محیطی غیر بهداشتی می‌شود.
 *

● آقا چند ساله‌اید و شغلتان چیست؟

می‌زند؟
 ○ بله.
 ● چرا؟
 ○ چون بقیه بیشتر تیره می‌پوشند، قرمز بین لباسهای تیره توی چشم می‌زند.
 ● اگر یک روز همه خانمها قرمز بپوشند و فقط چند نفر مشکی، کدامها بیشتر جلب توجه می‌کنند؟
 ○ آنهایی که سیاه می‌پوشند.
 ● دلت می‌خواهد در اجتماع بیشتر چه رنگهایی را ببینی؟
 ○ رنگهای روشن، مثل سفید.
 ● با دیدن این رنگها چه احساسی به تو دست می‌دهد؟
 ○ احساس شادی.
 ● تا حالا به خارج از کشور رفتی؟
 ○ بله، ژاپن.
 ● آنجا چه طور بود؟
 ○ همه جور لباسی می‌پوشیدند. همه رنگ، همه نوع.
 ● در خیابانهای آنجا راحت‌تر بودی یا اینجا؟
 ○ آنجا راحت‌تر بودم. چون آنجا هر رنگی می‌پوشیدم، جلب توجه نمی‌کرد ولی اینجا حتی رنگهای معمولی مثل زرد هم جلب توجه می‌کند.
 ● آنجا حجاب داشتی؟
 ○ بله، ما خانواده مذهبی هستیم ولی حتی حجابم هم آنجا جلب توجه کسی را نمی‌کرد.
 *





● جامعه با تنوع رنگ را می توان به یک تابلوی نقاشی قشنگ تشبیه کرد.

- به جایی نرسیدن.
- به نظر شما این رنگ چه تأثیری در روان جامعه می گذارد؟
- در جامعه حالت افسردگی، خلاء و بوجی به وجود می آورد.
- شما وقتی زنی را با پوشش رنگ روشن می بینید چه استنباطی درباره او دارید؟
- حس می کنم شاد است. جامعه با تنوع رنگ را می توان به یک تابلوی نقاشی قشنگ تشبیه کرد.
- فکر نمی کنید رنگی پوشیدن دلیل سبکی است؟
- نه، به هیچ وجه.
- یعنی همان احترامی را که برای تیره پوشان قائلید، برای کسانی هم که روشن می پوشند، قائلید؟
- خوب در مورد رنگها نمی شود ارزشگذاری کرد. رنگهای روشن بیشتر جلب توجه می کنند، البته در جامعه ای که بیشتر افراد تیره می پوشند. بالعکس در جامعه ای که همه روشن بپوشند، سیاهپوشان انگشت نما می شوند.

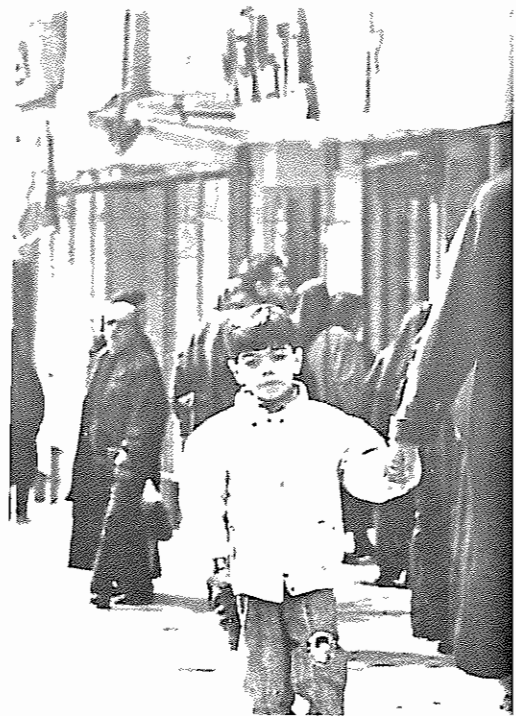
*

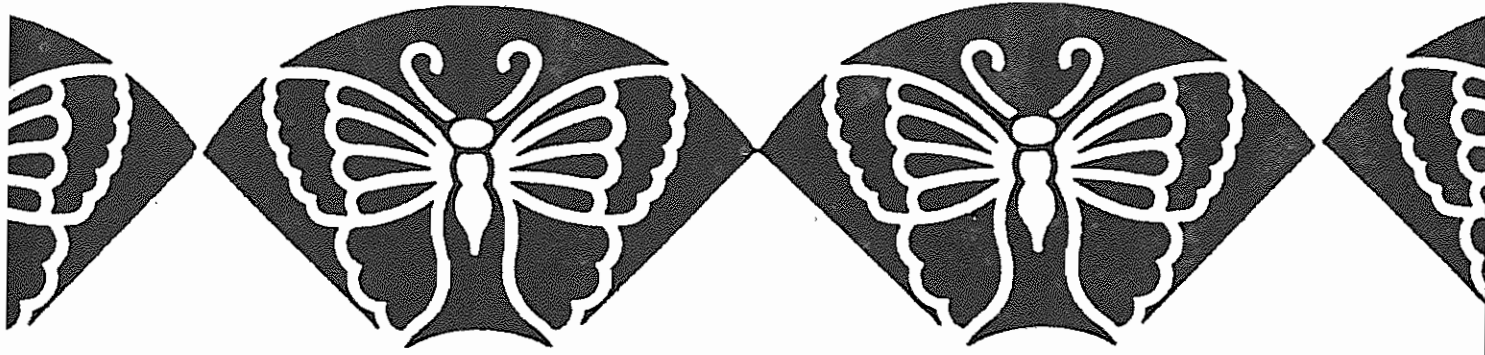
- نه دیگر، وقتی عموم مردم این رنگ را بپوشند، دیگر جلب توجه نمی کند.
- حالا اگر بین اینها، پنج نفر با پوشش مشکی در جامعه ظاهر شوند چه می شود؟
- معلوم است. آنها که مشکی پوشیده اند، بیشتر جلب توجه می کنند چون اقلیتند.
- با توجه به رشته تحصیلتان، فکر می کنید رنگها چه تأثیری در روان افراد دارند؟
- رنگهای شاد برای بینندگان جذابیت بیشتری دارند، با رنگ شاد انسان برداشت بهتری از زندگی پیدا می کند، رنگ تیره از نظر من رنگ فرم دارد، مثلاً در بعضی کشورها لباس مشخص برای ورود به محل کار، کت و شلوار یا کت و دامن سورمه ای است، مثل لباسهای کارگری. ولی در مواقع دیگر همه افراد از رنگهای روشن استفاده می کنند.

تلقی ما از مذهب

باورهای مذهبی در همه ارکان جامعه ما به شدت رسوخ کرده و تصور غالب نیز این است که مذهب با غم آمیخته شده، کمتر شادی را برمیتابد، یا آن را مجاز نمی داند. حتی در بعضی محافل مذهبی سعی می کنند برای ابراز شادی، حتماً توجیهی بیاورند. چنین درکی از مذهب خود را به شیوه های گوناگون می نماید: خشکی چهره و روابط آدمها، پرهیز از تفریحات، اجتناب از نشاط و حتی خودداری از انتخاب رنگهای شاد.

- خانم شغلتان چیست؟
- گرافیست و معلم هستم.
- نظر شما در مورد رنگهای مرسوم در جامعه چیست؟
- فکر می کنم رنگهای مرسوم بیشتر رنگهای تیره است و بیشتر خانمها از آنها استفاده می کنند، انتخابش هم بیشتر از روی اجبار است، تا به قول معروف کمتر توی چشم بزند و جلب توجه نکند. طبیعتاً من هم وقتی می بینم همه افراد تیره پوشند، برای اینکه از آنها جدا نباشم مشکی می پوشم.
- شما فکر می کنید اگر روزی همه خانمها با لباس سفید از خانه خارج شوند چه اتفاقی می افتد؟
- فکر می کنم آن روز، روز خیلی خوبی است.
- آن روز هم سفید جلب توجه می کند؟





● هدف زندگی شاد بودن است و هر کس غیر از این فکر کند، گمراه است و ما باید او را هدایت کنیم.

روحیه مذهبی جامعه ما توأم و آمیخته با

غم است و معمولاً پرهیز از شادی را تجویز می‌کند. این طرز تلقی جامعه از مذهب به انتخاب رنگ لباس هم تسری یافته تا آنجا که انتخاب رنگ شاد در جامعه ما زنده تلقی می‌شود.

● ببخشید آقا، شغل شما چیست؟

○ پزشک هستم.

● نظر شما در مورد تنوع رنگ در

جامعه چیست؟

○ رنگ محرک مؤثری در زندگی است و باعث آرامش و نشاط می‌شود. رنگها یکی از عوامل درک زیبایی هستند، موجب تنوع زندگی می‌شوند، خستگی را از بین می‌برند و روان را شاد می‌کنند.

● راجع به اینکه خانمها بیشتر سیاه

می‌پوشند چه نظری دارید؟

○ قاعدتاً هر که هر چه دوست دارد باید بپوشد. باید از خود خانمها پرسید که چرا بیشتر مشکی می‌پوشند.

● شما اگر خانمی را با پوشش قرمز در

خیابان ببینید، چه استنباطی می‌کنید؟

○ با تعلیماتی که اکنون در جامعه داده می‌شود و همچنین با توجه به آنچه از کودکی در ذهن ما حک کرده‌اند، ممکن است بی‌جهت نسبت به اعتقادات و دیانت آن خانم شک کنم.

● شما دوست دارید که دخترتان مثلاً با

پوشش صورتی از خانه بیرون برود؟

○ نه، چون دوست ندارم در معرض نگاههای خاص مردم که با تعلیمات خاصی

رشد کرده‌اند قرار بگیرد.

● فکر می‌کنید چه موقع پوشیدن لباس

صورتی باعث به وجود آمدن نگاه خاص نمی‌شود؟

○ در صورتی که به مردم تعلیم داده شود که این رنگ مغایر اعتقادات نیست. در جوامعی که از ابتدا در انتخاب رنگها آزاد بوده‌اند، پوشیدن بدترین رنگها هم هیچ عیبی ندارد.

● منظورتان از بدترین رنگها چیست؟!

○ مثلاً شادترین رنگها.

● شادترین رنگها، بدترین رنگها هستند؟

○ از نقطه نظر اعتقادات عمومی، بله.

● خود شما بیشتر چه رنگی می‌پوشید؟

○ تیره، به دلیل سن و موقعیتم.

● پوشیدن رنگ روشن چه لطمه‌ای به موقعیت شما می‌زند؟

○ من همیشه عقیده داشته‌ام که لباس نباید

از نظر فرم یا رنگ، جلب توجه کند.

*

● ببخشید آقا، می‌توانم پرسیم به نظر

شما چرا خانمها بیشتر سیاه می‌پوشند؟

○ سیاه رنگ اشرافی خیلی قدیمی است. که البته تغییر مفهوم پیدا کرده و اکنون سنت عمومی جامعه شده.

● شما خودتان وقتی خانمی را با لباس

روشن می‌بینید، چه استنباطی دارید؟

○ تا حالا فکر نکرده‌ام. اصلاً استنباط خاصی ندارم.

● شما قبول دارید خانمی که لباس تیره

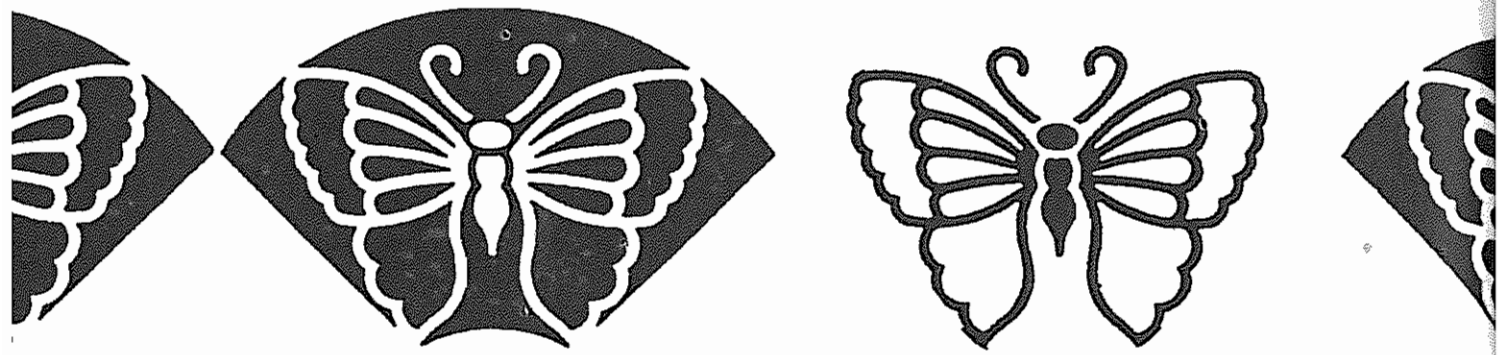
نمی‌پوشد، سنگین نیست؟

○ سنگینی و غیرسنگینی یک خانم به رنگ لباسش ربط ندارد.

● پس به چه چیزی ربط دارد؟

○ به حرکات و رفتار او، به نوع لباس،





● سیاه، نشانهٔ تهی بودن است. سیاهی یعنی به جایی نرسیدن.

نه رنگ لباس. خاطره‌ای به ذهنم رسید: یک بار خانمی را در خیابان دیدم که روسری سفید، کفش سفید، لباس سفید، دستکش سفید، کیف سفید و عینک سفید داشت. گفتم واقعاً چه موجود عجیب و غریبی است.

● شما حج رفته‌اید؟

○ خیر.

● مراسم حج را که دیده‌اید؟

○ بله.

● خوب، راجع به آن مردها و زن‌ها که سراپا سفیدپوشند، چه نظری دارید؟

○ هیچی، من آن خاطره را بابت مزاح گفتم.

● خوب اگر یک روز صبح همهٔ خانمها با لباس سفید در جامعه ظاهر شوند، چه اتفاقی می‌افتد؟

○ لباس سفید یا رنگ به تنهایی مهم نیست. البته بعضی رنگها در جامعهٔ ما رنگهای سبکی است. مثلاً اگر کسی سرتاپا قرمز بپوشد و بیاید توی جامعه، معلوم است که انگشت‌نما می‌شود.

● خوب اگر ذوق کسی قرمز را انتخاب کرد، آن شخص سبک است؟

○ نه، اما ذوق دیگران هم این است که بگویند او ذوق خیلی سبکی دارد.

● پس استنباط اجتماعی چنین است؟
○ مگر قرار بود غیر از این چیز دیگری باشد؟

● خوب حالا اگر یک روز صبح همهٔ خانمها سفید بپوشند و پنج نفر مشکی، به نظر شما چه اتفاقی می‌افتد؟

○ هیچ، پوشیده‌اند.

● استنباط اجتماعی در موردشان چیست؟

○ پنج نفر خانم لباس سفید بپوشند؟

● نه، همه سفید بپوشند و فقط پنج نفر

مشکی بپوشند.

○ خوب این از آن چیزهایی است که اصلاً اتفاق نمی‌افتد.

● فرض می‌کنیم اتفاق بیفتد، کدامشان غیرطبیعی به نظر می‌آیند؟

○ این مسأله هیچ گاه تحقق پیدا نخواهد کرد. با شرایط زمانی که در آن هستیم چنین حرکتی کلاً غیرطبیعی است.

● اصلاً به شرایط فعلی کاری نداریم. فرض کنید فردا صبح همهٔ زن‌ها سفید بپوشند و پنج نفر سیاه، کدام غیرعادی است؟

○ همه عادی‌اند. غیرطبیعی بودن نسبت به ذهنیت قبلی ما و نسبت به سنتهاست و طبیعتاً آن پنج نفر سیاهپوش غیرطبیعی‌اند.

*

● خانم چند سال دارید و چه کار

می‌کنید؟

○ ۲۳ سالم و دانشجوی روان‌شناسی.

● زیر چادر هم مشکی پوشیده‌اید، چرا؟

○ دلیل خاصی ندارد. به نظرم پوشیدن مشکی، سنگینی زن را می‌رساند.

● شما نظرتان این است یا تلقی جامعه این طور است؟

○ جامعه این طور فکر می‌کند، خصوصاً در مورد خانمها.

● خودت این طور فکر نمی‌کنی؟

○ چرا خودم هم همین طور فکر می‌کنم.

● یعنی فکر می‌کنی اگر زنی رنگ روشن بپوشد، سنگین نیست؟

○ نه زیاد. البته نه اینکه همه مشکی بپوشند ولی رنگهای تیره بهتر است. مثلاً اگر

کسی مانتوی سفید یا سبز تن کند و بیرون بیاید، خیلی خوب نیست و ممکن است روی



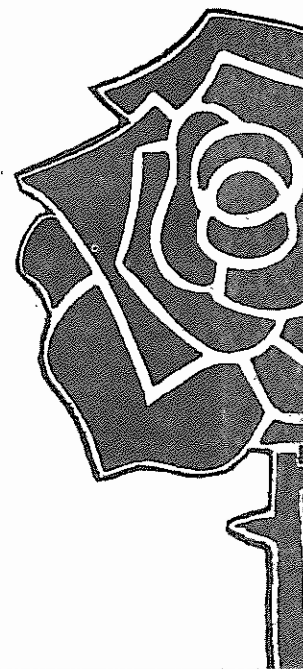
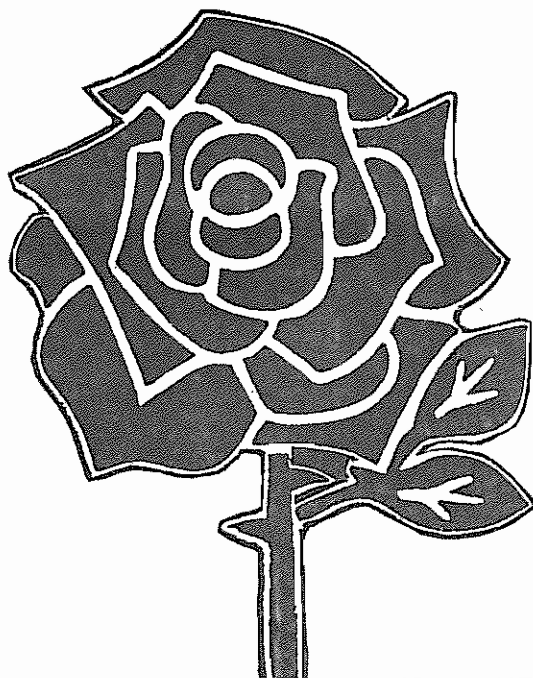
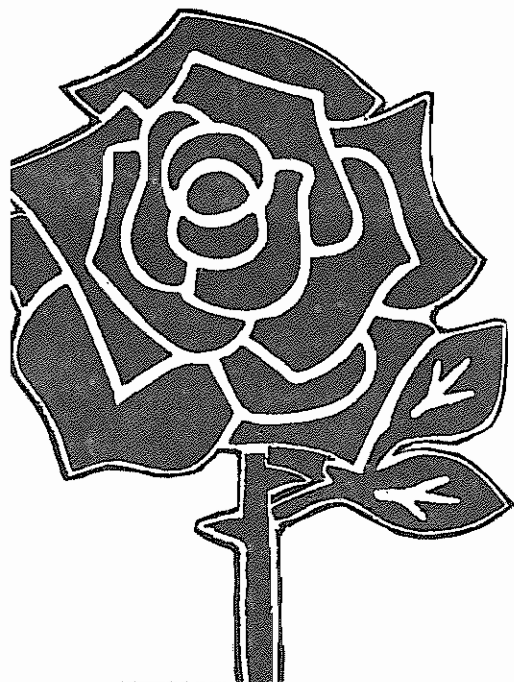
- علت سیاه پوشیدن عده‌ای، آلودگی هواست، چون لباس روشن زودتر کثیف می‌شود.
- مشکلی کثیف نمی‌شود یا ما آلودگی آن را نمی‌بینیم؟!



- اگر قرار باشد همه سفید بپوشند، حتماً به مناسبتی است.
- مگر الان که همه سیاه می‌پوشند، مناسبتی هست؟
- الان همه سیاه نمی‌پوشند، اکثراً سیاه می‌پوشند که آن هم به خاطر سنگینی است.
- خوب نگفتید اگر همه سفید بپوشند و پنج نفر سیاه، کدامشان غیرقابل قبول هستند؟
- نمی‌دانم. خیلی مشکل است. ولی شاید آن پنج نفر...
- چرا؟
- شاید آنها خودشان را جدای از اکثریت دانسته‌اند.
- پس مسأله رنگ نیست، عرف است؟

- به نظر من خیلی مسخره است.
- یعنی آن روز همه آدمها مسخره هستند؟
- اگر منظور شهر تهران است، این کار به این شهر نمی‌آید!
- به شهرهای دیگر می‌آید؟
- نه.
- حالا فرض کنید زمانی همه سفید بپوشند و پنج نفر سیاهپوش باشند، آن وقت نظرتان چیست؟
- نمی‌تواند مورد قبول باشد.
- کدامشان؟
- هیچ کدامشان.
- چرا؟

- چهره‌ی ظاهری او تأثیر بگذارد.
- مگر در مراسم حج همه افراد سفیدپوش نیستند؟
- خوب بستگی دارد.
- به چه چیزی؟
- در این مراسم مردم از سراسر دنیا می‌آیند و رنگ سفید همبستگی آنها را می‌رساند.
- حالا اگر یک روز همه زنان تهران برای اتحاد و همبستگی سفید بپوشند، نظر شما چیست؟
- در رابطه با چه مسأله‌ای سفید بپوشند؟
- بدون هیچ مسأله‌ای، یک روز صبح همه خانها در تهران سفید بپوشند.



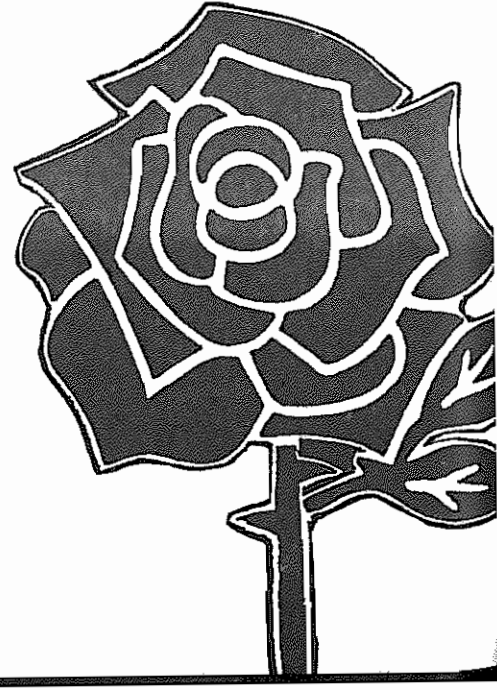
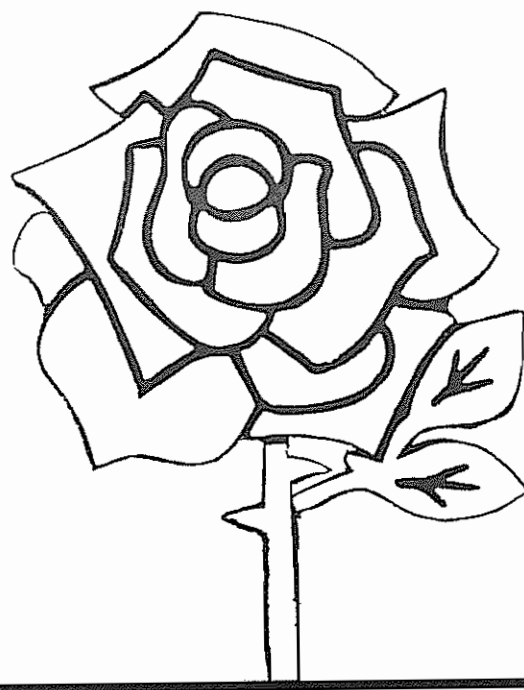
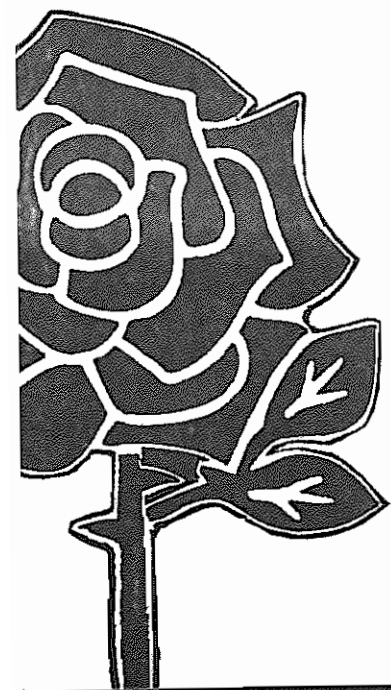


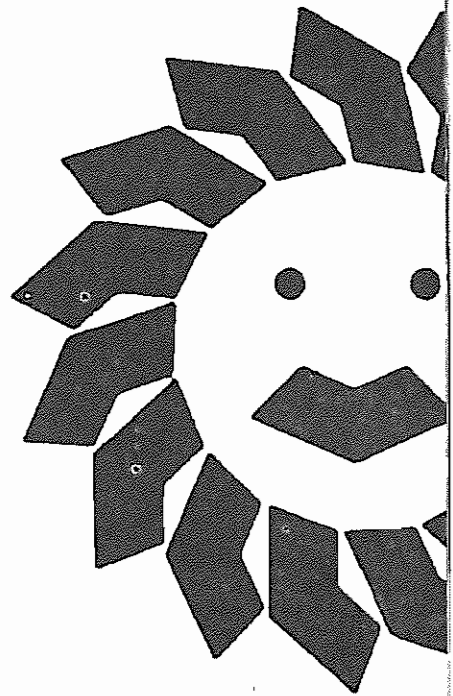
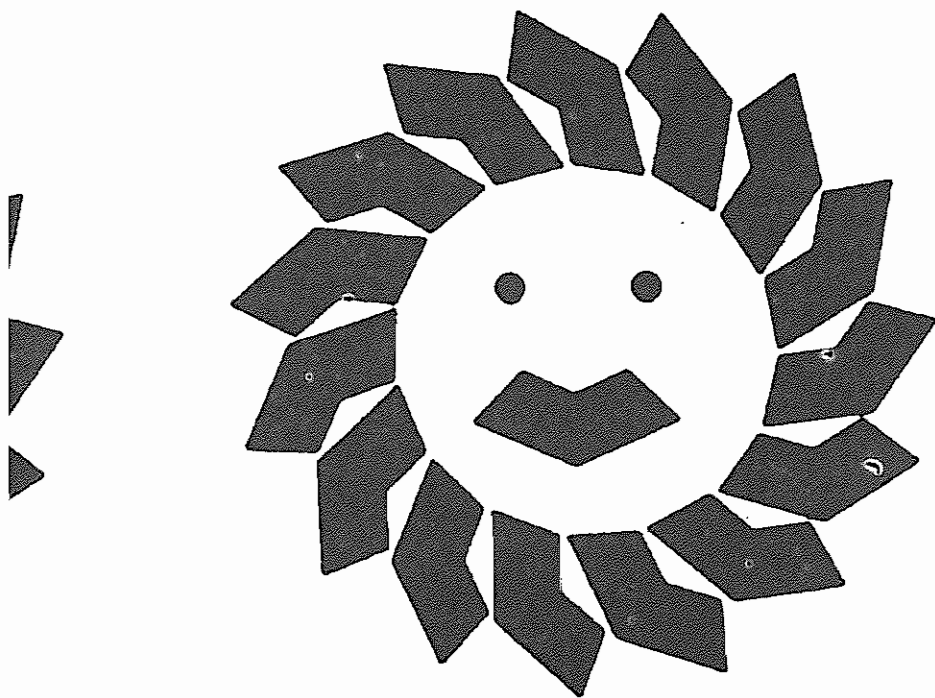
● شما معتقدید رنگ در روحیه افراد تأثیر دارد؟
○ صدرصد، اگر مؤثر نبود که مردم مراسم عزا برای نشان دادن تأثر خود مشکمی نمی پوشیدند.

● شما جلف‌ترین رنگ را چه رنگی می‌دانید؟
○ قرمز.
● گل رز به نظر شما جلف است؟
○ نه، چون گل رز خیلی هم ابهت دارد.
● چرا خداوند این رنگها را در طبیعت آفریده؟
○ بالاخره حتماً برای استفاده ما این رنگها را آفریده. ولی این مسأله ربطی به آن ندارد.
● چرا ندارد؟
○ چون وقتی آدم به قرمز نگاه می‌کند چندشش می‌شود. ولی خوب گل رز طراوات و زیبایی چشمگیری دارد.

○ بله.
● این هنجار در جامعه ما چه اثری دارد؟
○ خوب، اثر بدی دارد.
● با اینکه عرف است؟
○ بله.
● لباس سیاه با اینکه عرف است چه اثری در جامعه دارد؟
○ اگر اکثریت سیاه بپوشند، خوب اثر بدی دارد. چون روحیه افراد را کسل می‌کند. وجود انسان گرایش به زیبایی دارد من نمی‌گویم خانمها وقتی مشکمی نمی‌پوشند سنگین نیستند. خیلیها با پوشیدن رنگ روشن، خیلی هم وقار دارند.

○ بله، درست است.
● حالا به نظر شما اگر همه زنهار به خاطر سنگین بودن، سیاه بپوشند چه تاثیری در روان اجتماع می‌گذارد؟
○ من خودم با یک خانم خارجی برخورد داشتم از من پرسید خانمهای ایرانی وقتی دائماً مشکمی می‌پوشند روحشان کسل نمی‌شود؟ من جواب دادم نه. این بستگی به عرف جامعه دارد. مشکمی یک جلوه خاصی می‌بخشد.
● حالا یک سوال دیگر، در مناطقی از ایران، زن نباید در حضور خانواده شوهر، بچه زیر دو سال را در آغوش بگیرد، این رسم هم در آن مناطق عرف است؟





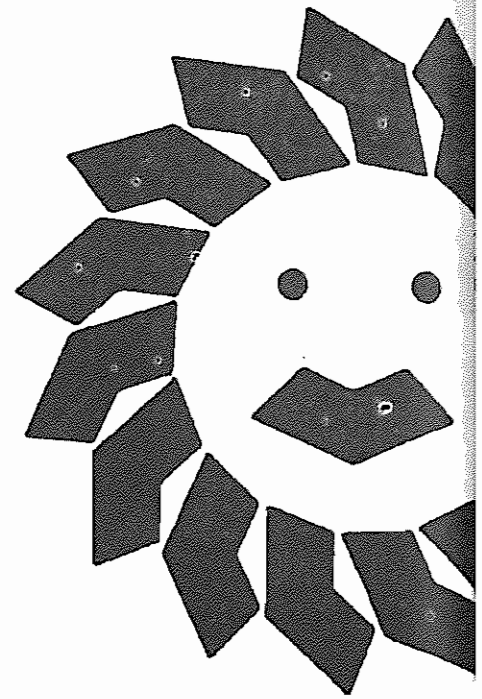
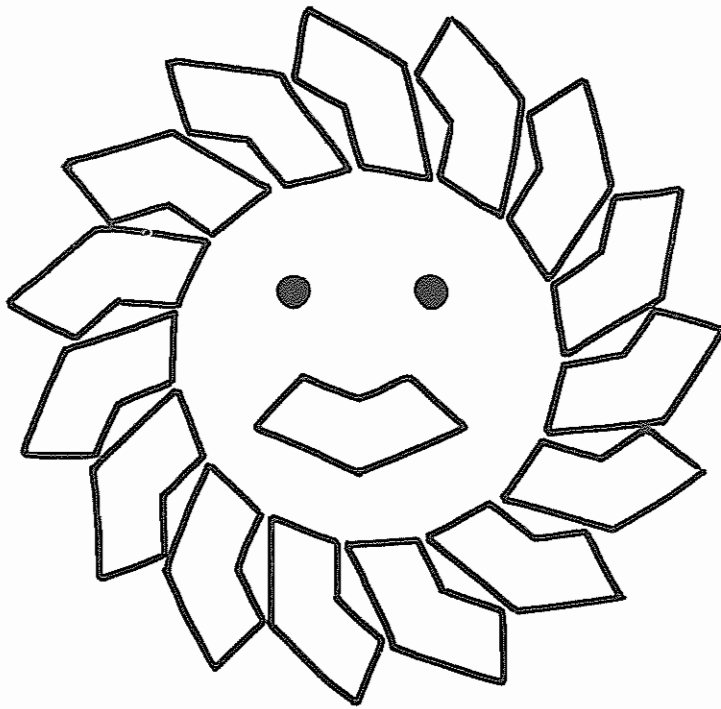
● افراط در استفاده از هر چیز، نشانگر نوعی ناراحتی است. استفاده مداوم از رنگ تیره در اجتماع هم نشان دهنده کسالت روحی جامعه است.

چون سنگینتر است.
*
● آقا، چه کاره اید؟
○ دانشجوی برق هستم.
● چطور رنگ سبز پوشیده اید؟
○ اصولاً رنگهای شاد را بیشتر می‌پسندم.
چون به نظر خودم، این رنگها با رنگ پوستم بیشتر مطابقت دارند.
● آیا تا به حال ترجیح داده اید که رنگ تیره‌ای برای لباس انتخاب کنید؟
○ خیلی کم. مگر برای حضور در مراسم خاص.
● در محیط دانشگاه هم، همین رنگها را می‌پوشید؟
○ متأسفانه یا خوشبختانه بله.
● برای انتخاب رنگها در دانشگاه ممنوعیت خاصی وجود ندارد؟
○ شاید دانشگاه ما چندان سخت‌گیری نمی‌کند. البته ما هم رعایت می‌کنیم.
● یعنی برای استفاده از رنگهای تیره در دانشگاهها بخشنامه خاصی وجود دارد؟
○ بله. ولی شدت برخورد با این قضیه، بستگی به مسئولان هر دانشگاه دارد.
● دانشجویان دختر هم به اندازه پسرها از رنگ روشن استفاده می‌کنند؟
○ خوب، نه! تعداد خانمهایی که پوشش

هر جا را نگاه کند، مشکی ببیند خسته می‌شود.
● فکر می‌کنی چرا مردم بیشتر مشکی می‌پوشند؟
○ فکر می‌کنم به خاطر مقتضیات اجتماعی است، مثلاً در دانشگاه پوشیدن رنگ روشن قدغن است و در محیط کار هم خوب به طور ضمنی همه تأکید بر تیره پوشیدن دارند.
● فکر نمی‌کنید خانمها با پوشیدن رنگ روشن جلف به نظر بیایند؟
○ نه، رنگ که نشانه جلف بودن نیست.
اگر کسی بخواهد سبک باشد، با پوشیدن رنگ تیره هم می‌تواند جلف باشد. رنگ روشن دلیل جلف بودن نیست.
*
● آقا پسر شما چند سالتان است؟
○ ۱۵ سال.
● چه رنگی را بیشتر دوست دارید؟
○ بیشتر مشکی و سرمه‌ای. کلاً رنگهای تیره.
● چرا رنگهای تیره؟
○ به نظر من پسر باید رنگ تیره بپوشد.
● چرا؟
○ این نظر من است. نمی‌دانم، شاید

● حالا اگر یک آدم خوشرو و ببا طراوت قرمز بپوشد، شما باز هم چندستان می‌شود؟
○ نه!
● گل سفید رنگ چه احساسی در شما به وجود می‌آورد؟
○ سفید هم خوب است.
● زنان هم اگر سفید بپوشند، خوب است؟
○ ...
● اگر کسی رنگ سفید بپوشد، جلوه‌اش از بین می‌رود؟
○ نه، از بین نمی‌رود.
*
● چند سال دارید؟
○ ۲۶ سال.
● مانتوی شما سبز است. این رنگ را دوست دارید؟
○ بله.
● چرا مشکی نمی‌پوشید؟
○ از بس همه مشکی پوشیده‌اند، دیگر همه ما از مشکی بیزار شده‌ایم.
● مگر مشکی رنگ بدی است؟
○ رنگ بدی نیست ولی خوب وقتی آدم





● اگر فرهنگ استفاده از رنگ روشن در جامعه جا بیفتد و همه روشن بپوشند، در آن صورت پوشیدن رنگ تیره باعث جلب توجه می شود.

چيست؟
 ○ ۵۰ سال و کارمند بازنشسته ام.
 ● نظرتان در مورد پوشش تیره اکثر خانمها چيست؟
 ○ رنگ لباس باید به انتخاب شخص باشد. رنگ در هیچ آیین و مذهبی مورد بحث نبوده و در هیچ دینی گفته نشده استفاده از رنگی گناه دارد یا ثواب.
 ● پس چرا الان بیشتر خانمها مشکی می پوشند؟

○ این فکر به افراد جامعه تزریق شده. به همین خاطر وقتی ما می خواهیم لباس قرمزی بپوشیم مرد هستیم و احساس گناه می کنیم.
 ● شما اگر خودتان یک خانم با پوشش قرمز در خیابان ببینید راجع به او چه فکری کنید؟

○ نمی دانم چرا تصور می شود زنان حتی در انتخاب رنگ هم باید محدود و تحت فشار باشند تا مبادا جامعه مثل جنگل شود و مردها به خانمهایی که روشن می پوشند حمله ور شوند!

● شما در مورد مدل پوشش هم همین طور فکر می کنید؟

○ چون خوشبختانه من مسلمان و مذهبی هستم و آیین ما تأکید بر پوشیدگی دارد، معتقد به پوشش منطقی هستم، چرا که پوشیدگی

● حتی در مورد رنگ لباس؟
 ○ بله. چون اگر رنگ لباس باعث جلب توجه دیگران شود، کوچکترین مشکلی که برای یک مرد به وجود می آید، مسأله غیرت است.
 ● مرحله دوم استدلال شما چيست؟!
 ○ جامعه ما یک جامعه اسلامی است. به همین دلیل باید مسائلی در این جمع رعایت شود.

● یعنی در اسلام در انتخاب رنگها ممنوعیتی وجود دارد؟
 ○ گمان نمی کنم در هیچ یک از احکام و روایات صحبتی از رنگ لباس شده باشد.
 ● فرض کنید روزی همه خانمها از پوشش سفید استفاده کنند. در این صورت چه احساسی خواهید داشت؟
 ○ فکر نمی کنم چنین امکانی باشد.

● در صورت صحت فرض ما، اگر تعداد کمی در این میان سیاه بپوشند، در مورد آنها چه تصویری خواهید داشت؟

○ من این فرض را قبول ندارم. به هر حال خواهی نشوی رسوا، هم رنگ جماعت شو.

*
 ● آقا شما چند سالتان است و شغلتان

روشن دارند محدود است. در ضمن چگونگی استفاده از رنگهای تیره و روشن در مناطق بالا و پایین شهر متفاوت است.
 ● چه فرقی دارد؟
 ○ در بالای شهر بچهها به قول معروف تا پتر می گردند تا پایین شهر.

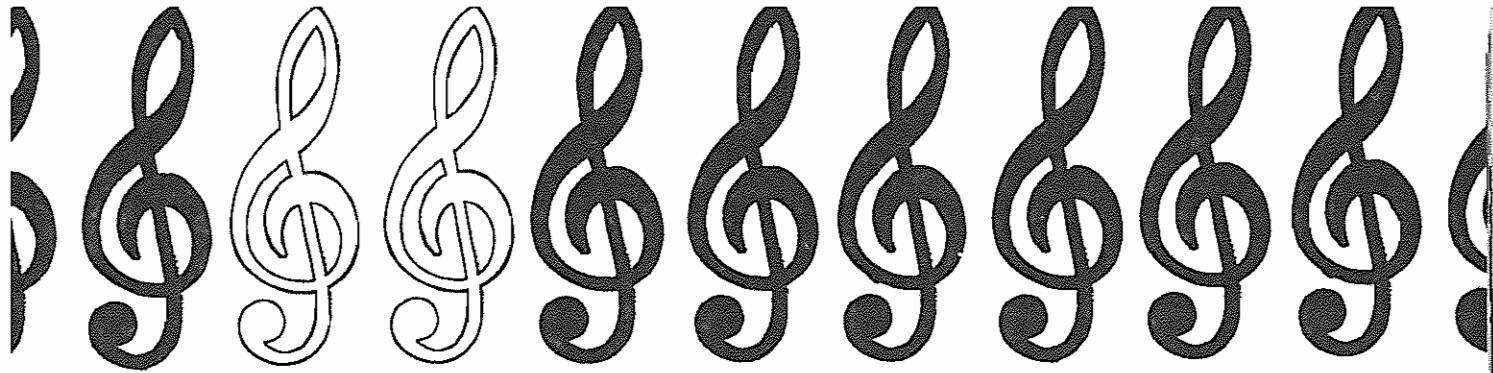
● منظور شما این است که استفاده از رنگ روشن به قول خودتان نشانه تاپ بودن است؟

○ نه منظورم این نیست. البته بچههای هم سن من بیشتر دوست دارند تیپ یک سره مشکی بزنند!
 ● چرا؟

○ نمی دانم.
 ● دخترها هم به اندازه پسرها در استفاده

از رنگ روشن آزادند؟
 ○ نه.
 ● چرا؟

○ در دو مرحله می توان در این مورد بحث کرد. اولاً جامعه ایرانی جامعه ای مرد سالار است و حرف اول و آخر را مرد می زند. بنابراین هر مردی یا برادری به خواهرش اجازه نمی دهد با هر نوع لباس یا آرایشی در جامعه ظاهر شود.



متعادل برای همه انسانها لازم است.
● اگر دختر شما به فرض با لباس رنگ سبز روشن از منزل خارج شود شما ابراز نا رضایتی می کنید؟

○ نه، ولی به خاطر همان چیزی که به مردم تزریق شده و به صورت عرف درآمده، ممکن است نگاههای مردم بر او چندان خوشایند نباشد، به این خاطر ممکن است کمی نگران باشم، نه به دلیل دیگری.

● حالا اگر روزی همه با پوشش سبز روشن از منزل خارج شوند، باز هم نگاههایی پرسشگرانه بر روی افراد سنگینی می کند؟

○ نه، ابدأ. در عرض یک روز همه چیز عادی می شود. چه بسا که بعد از مدت کوتاهی، پوشیدن رنگ تیره ناپسند محسوب شود.

● شما خودتان چه رنگی را بیشتر دوست دارید؟

○ به هر کسی یک رنگی می آید. این بستگی به رنگ پوست و قیافه افراد، دارد. هر کس با رنگهای خاصی زیبا می شود.

● شاید دلیل اینکه به خانمها گفته اند مشکی بپوشید این است که زیبایی آنها کمتر و حریم آنها بیشتر حفظ شود؟

○ یعنی چه؟ مگر زیبایی عیب دارد. خوب اگر این طور است بهتر است بگویند خانمها گرمهای عجیب - غریب کنند یا شاخ روی سرشان بگذارند، تا همه از آنها فرار کنند. اگر رنگ عیبی داشت که خداوند این همه رنگهای متنوع و زیبا خلق نمی کرد. رنگهای شاد گلها و رنگهای گوناگون در طبیعت باعث شادی روح افراد می شود. ضمناً فکر نمی کنم مردهای جامعه ما آنقدر بی فرهنگ باشند که با پوشش رنگ روشن خانمها تهنیت شوند و یا تصور غلطی از آنها در ذهنشان بیاید. به نظر من هر چه محدودیت بیشتر باشد، مردم با هر چیز کوچک توجهشان جلب می شود. در حالی که اگر در جامعه ای آزادی کامل در مورد انتخاب رنگ حاکم باشد پس از مدتی دیگر کسی با پوشیدن رنگ

روشن اذیت نمی شود. چون دیگر کسی به دنبال این نیست که چیز غیر متعارفی در دیگری پیدا کند.

هیچ کس سیاه دوست ندارد، اما...

این فرض مسلم است که جامعه، جمع جبری افراد نیست. یعنی دو به اضافه دو در جامعه لزوماً چهار نمی شود، بلکه معمولاً بیشتر می شود و در موارد معدودی هم کمتر. یعنی وقتی من و تو و دیگری با یکدیگر ارتباط برقرار کردیم، این ارتباطات متقابل شبکه ای ایجاد می کند که نامش جامعه است و دیگر مستقل از روابطی که شکلش داده ایم، عمل می کند. ما تک تک اجزایش را چیده ایم ولی وقتی جان گرفت، همچون ارگانیکمی جاندار فعالیتی مستقل آغاز می کند و دیگر از خواسته های ما تبعیت نمی کند. بنابراین ممکن است تک تک افراد یک جامعه گرایشهای خاصی داشته باشند ولی جمع جبری این گرایشها لزوماً خودش را در ارزشها و هنجارهای جامعه منعکس نکند.

● ممکن است چند دقیقه ورزش را قطع کنید و به سوالات من جواب دهید؟
○ خواهش می کنم.

● نظر شما در مورد رنگ لباس خانمها چیست؟

○ اگر یک مقدار از لباسهای رنگی استفاده کنند، دل مردم باز می شود.

● شما خودتان چرا مشکی پوشیده اید؟
○ چون می بینم همه مشکی می پوشند من هم مشکی می پوشم.

● شما عقیده دارید رنگ در روحیه افراد تأثیر دارد؟
○ صددرصد، اگر مؤثر نبود که مردم در مراسم عزا برای نشان دادن تأثیر خود مشکی نمی پوشیدند.

● چه رنگ مانتویی بیشتر تولید می کنید و

*

خانمها کدام رنگ را بیشتر انتخاب می کنند؟
○ ما معمولاً بیشتر سیاه تولید می کنیم. خانمها هم بیشتر سیاه می خرند.

● فکر می کنید چرا خانمها به رنگ سیاه بیشتر تمایل دارند؟

○ چون در هر شرایطی می توانند از آن استفاده کنند.

● کی چنین حرفی زده؟
○ سؤال شما از محدوده خارج شده، دیگر نمی توانم به آن جواب دهم.

*

● چند سالت است؟

○ ۶ سال.

● چه رنگی را خیلی دوست داری؟

○ سبز.

● مادرت بیشتر چه رنگی می پوشد؟

○ سیاه.

● تو دوست داری؟

○ یک کمی. ولی سفید هم دوست دارم.

● خوب چرا نمی گویی بپوشد؟

○ آخر مانتوی سفید که نیست. تازه

نمی تواند سفید بپوشد.

● چرا؟

○ خوب زشت است.

● چرا زشت است؟

○ آخر همه می دانند که زشت است!

*

● ببخشید آقا، می توانم تحصیلات و

شغلتان را سؤال کنم؟

○ دکترای برق دارم و روزنامه نگارم.

● شما به عنوان یک مرد، وقتی خانمی

را با لباس رنگ روشن می بینید چه استنباطی می کنید؟

○ من اصولاً فکر نمی کنم که خانمها باید

سیاه بپوشند، بنابراین وقتی خانمی را در لباس

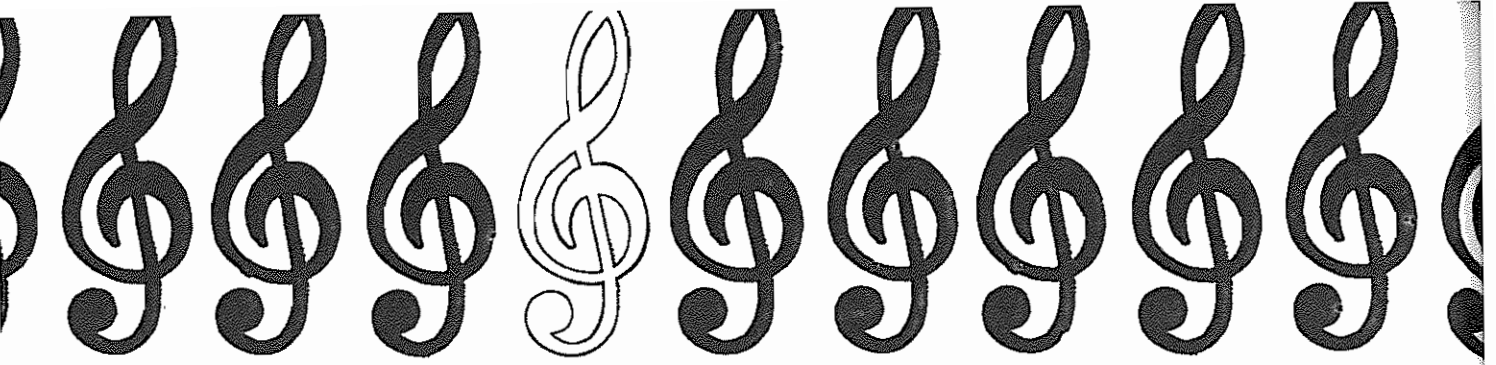
غیر سیاه می بینم، برداشت خاصی نمی کنم

البته چون الان موارد استفاده از رنگهای تیره

زیاد است، شاید متوجه خانمی که لباس

روشن پوشیده بشوم ولی استنباط خاصی





است: اگر فایده رفتاری بر هزینه‌هایش فزونی داشته باشد، آن رفتار صورت می‌گیرد ولی اگر هزینه آن بالا باشد، معمولاً از آن اجتناب می‌شود. پیروی از این مدل بعضی مواقع آگاهانه صورت می‌گیرد و گاه حالت نهادی دارد. یعنی ما از طریق عادت، تربیت و یادگیری اجتماعی آموخته‌ایم که چه رفتارهایی هزینه‌گزافی دارد و چه رفتارهایی فواید بسیار. به نظر می‌آید در جامعه ما در حال حاضر هزینه‌های استفاده از رنگهای شاد بر فوایدش می‌چربد. بنابراین عموماً افراد ترجیح می‌دهند از رنگهای روشن و شاد استفاده نکنند.

● خانم، شغل‌تان چیست؟

○ کارشناس یکی از ادارات دولتی هستم.

● شما معمولاً خارج از منزل چه رنگ لباسی می‌پوشید؟

○ معمولاً رنگ تیره می‌پوشم.

● چرا؟

○ چون اگر رنگ دیگری بپوشم، نامأنوس است.

● برای خودتان نامأنوس است یا برای دیگران؟

○ هم برای خودم و هم برای دیگران.

● چون دیگران با حالت بدی به آدم نگاه می‌کنند و در اثر نگاه متعجب آنها، این رنگ برای خودم هم نامأنوس جلوه می‌کند و احساس می‌کنم رنگ ناجوری پوشیده‌ام و ترجیح می‌دهم از آن به بعد سیاه بپوشم.

● فکر می‌کنید چرا سیاه، رنگ مأنوسی است؟

○ علت عمده آن صدور همان بخشنامه‌های اداری است که در آنها بر پوشیدن رنگ تیره و بخصوص سیاه تأکید می‌شود.

● فکر نمی‌کنید علت تأکید بر تیره پوشیدن، جلوگیری از جلب توجه نسبت به خانمها باشد؟

○ اگر زنی بخواهد جلب توجه کند، با

● چرا رنگ دیگری نمی‌پوشید؟

○ چون از بین رنگهای مشخص شده مشکی و سرمه‌ای و قهوه‌ای، مشکی را بیشتر دوست دارم.

● ظاهراً شما با حجاب هستید؟

○ بله.

● فکر نمی‌کنید استفاده از رنگ روشن در مذهب خللی وارد کند؟

○ نه. به هیچ وجه. مذهب راهی است برای نزدیکی به خدا و پوشیدن لباسهای روشن مانعی در این راه نیست.

● فکر می‌کنید رنگ سیاه چه تأثیری در جامعه دارد؟

○ خیلی دلگیر است.

● فکر می‌کنید اگر یک روز همه سفید بپوشند چه اتفاقی می‌افتد؟

○ سفید رنگ آرامی است و بر خلاف مشکی که خستگی و غم و کسالت می‌آورد، باعث آرامش و نشاط می‌شود. البته وقتی همه سفید بپوشند، فرقی با وقتی که همه سیاه می‌پوشند، ندارد. ضمناً علت دیگری که برای تیره پوشیدن افراد سراغ دارم این است که هوا خیلی آلوده است و لباس روشن خیلی زودتر کثیف می‌شود.

● مشکی کثیف نمی‌شود یا ما آلودگی آن را نمی‌بینیم؟

○ البته که کثیف می‌شود ولی اگر کسی بخواهد کاملاً تمیز باشد باید هر روز لباسش را بشوید اما پوشیدن لباس مشکی، که آلودگی را کمتر نشان می‌دهد، برای بعضی افراد راحت‌تر است!

پوشش رنگی، هزینه‌گزار

یکی از مدل‌های مطرح در جامعه‌شناسی برای توضیح رفتار اجتماعی مدل «هزینه و فایده» است که در جوامعی چون جامعه ما هم کاربرد تحلیلی دارد. بر اساس این مدل اشخاص معمولاً هزینه‌های یک رفتار را در یک کفه ترازو می‌گذارند و فایده‌های آن را در کفه دیگر و رفتار آنها حاصل این توازن

نخواهم کرد. خوشبختانه هنوز بعضی خانمها به استفاده از رنگهای روشن تمایل دارند. من شخصاً این رنگها را بیشتر می‌پسندم.

● فکر می‌کنید چرا خانمها بیشتر رنگ تیره می‌پوشند؟

○ فکر می‌کنم آنها بیشتر مجبورند تیره بپوشند. آنقدر دایماً به آنها گفته‌اند تیره بپوشید که دیگر چاره‌ای ندارند، بخصوص در ادارات دولتی که بخشنامه‌های کتبی درباره الزام به استفاده از رنگ تیره وجود دارد. من شکی ندارم که اگر نگرانی خانمها در مورد برداشت جامعه نسبت به رنگ لباسشان از بین برود، رنگهای متنوعتری انتخاب می‌کنند.

● نظرتان درباره تأثیر رنگهای تیره در روحیه جامعه چیست؟

○ از نظر علمی نمی‌دانم اما به طور کلی می‌بینم که همه اطرافیانم از اجبار در انتخاب رنگهای تیره ناراحت هستند و همه، پوشیدن لباسهای روشن یا به عبارتی، آزادی انتخاب رنگ را قدمی برای تساهل اجتماعی و آزادی و شادی بیشتر می‌دانند. من افراد زیادی را در مناصب مختلف و با اندیشه‌های گوناگون می‌شناسم که خواهان داشتن آزادی در انتخاب رنگ لباس هستند. گفته می‌شود که در مذهب ما مسأله چگونگی پوشش و رنگ تعیین شده است ولی آیا همه راهها برای تنوع شکل و رنگ پوشش در مذهب بسته است و آیا این موضوع آن قدر محدود است که همه آزادیهای فردی در انتخاب رنگ و چگونگی شکل پوشش از خانمها سلب می‌شود؟

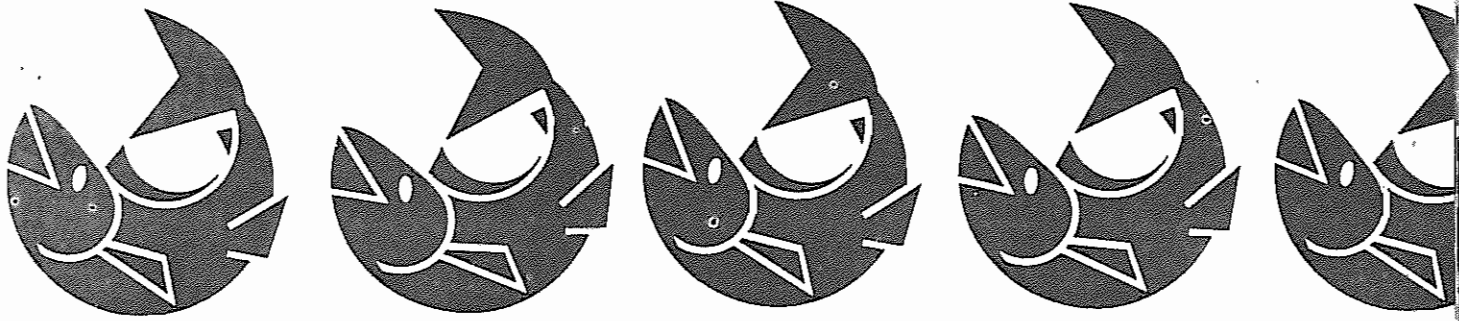
● به نظر شما در این مورد چه باید کرد؟

○ باید راه بحث و گفت‌وگو را در این زمینه باز کنیم. به مسائلی مثل رنگ لباس آنقدر تقدس ندهیم که دیگر اجازه ورود به بحث، از انسانهای دیگر با نظرات دیگر سلب شود.

*

● خانم، چرا مشکی پوشیده‌اید؟

○ برای اینکه مجبورم. چه در دانشگاه و چه در محل کار.



پوشیدن رنگ تیره هم جلب توجه می‌کند.
 ● همسر شما در مورد انتخاب رنگها چه نظری دارند؟
 ○ اصولاً همان چیزی را که بیشتر عرف جامعه است، می‌پسندد.

*
 ● چند ساعت است؟
 ○ ۱۴ ساله‌ام.

● وقتی از خانه خارج می‌شوی، بیشتر چه رنگی می‌پوشی؟
 ○ مشکی.
 ● چرا؟
 ○ چون از رنگهای روشن ممکن است ایراد بگیرند.

● چه کسی ایراد می‌گیرد؟
 ○ دیده‌ام که ایراد گرفته‌اند.
 ● چه رنگی را بیشتر دوست داری؟
 ○ قرمز.
 ● فکر نمی‌کنی رنگ قرمز، جلب توجه می‌کند؟

○ اینجا اینطوری است چون مردم خیلی رنگها را نمی‌پوشند برای همین هم فکر می‌کنند قرمز پوشیدن خیلی بد است، اما رنگ قرمز واقعاً بد نیست.
 ● از رنگهای تیره هم خوشت می‌آید؟
 ○ نه. چون غمگینم می‌کند اما وقتی رنگ سفید می‌بینم، روحیه‌ام خیلی شاد می‌شود.

*
 ● چند سالتان است و شغلتان چیست؟
 ○ ۲۹ ساله‌ام و شغلم آرایشگری است.
 ● چطور لباس صورتی رنگ پوشیده‌اید؟
 ○ رنگ شاد را دوست دارم. از طرفی به خاطر محیط کارم هم باید از رنگ شاد استفاده کنم.

● مگر رنگ لباس در محیط کار شما مؤثر است؟
 ○ صددرصد.
 ● چطور؟

○ رنگ شاد، در روحیه مشتریان ما اثر مطلوب می‌گذارد. البته رنگ شاد در روحیه همه مؤثر است ولی در اجتماع کسی

نمی‌تواند رنگ روشن پوشد.

● چرا؟

○ ممکن است اذیت شوند.

● چه کسی زنان را به خاطر استفاده از

رنگ روشن اذیت می‌کند؟

○ خوب دیگر هستند.

● فکر می‌کنید چرا خانمها را به این

دلیل اذیت می‌کنند؟

○ نمی‌دانم. شاید چون جلب توجه می‌کنند.

● شما خودتان معتقدید که پوشیدن رنگ

روشن برای خانمها صورت خوشی ندارد؟

○ نه من چنین عقیده‌ای ندارم.

● خودتان تا به حال با پوشش سفید

رنگ از منزل بیرون رفته‌اید؟

○ بله.

● مسئله‌ای برای شما پیش آمد؟

○ دچار مشکل شدم.

● به شما چه گفتند؟

○ گفتند: «رنگ مانتوی شما فجیع

است.»

● یعنی چه؟

○ نمی‌دانم.

● شما آرایش هم داشتید؟

○ نه آرایش داشتم، نه حجابم ایرادی

داشت چون من حجاب را قبول دارم. آنها

فقط به رنگ مانتوی من ایراد گرفتند.

● شما معنی «رنگ فجیع» را نپرسیدید؟

○ نه.

● بعد از آن شما دوباره از این مانتو

استفاده کردید؟

○ بله، ولی وقتی با ماشین بودم یا شبها.

من این مانتو را از همین جا، سر خیابان

خریدم. نمی‌دانم اگر این رنگها اشکالی

ندارد، پس چرا برای مردم در دسر درست

می‌کنند. اگر هم اشکال دارد، پس چرا اجازه

تولید و فروش آن را می‌دهند که مردم دچار

مشکل بشوند؟

*

● دختر خانم چند ساعت است؟

○ ۱۶ سال.

● همیشه از رنگهای روشن استفاده می‌کنی؟

○ نه، معمولاً رنگهای تیره می‌پوشم.

● چرا؟

○ این طوری جا افتاده.

● کی جا انداخته؟

○ خوب مثلاً رنگ مانتوهای مدرسه، تیره

است و بیرون از مدرسه هم با پوشیدن رنگ

روشن برای ما مشکل به وجود می‌آید.

● کی به شما ایراد می‌گیرد؟

○ ...

● موردی هم برای مثال دارید؟

○ بله. دوستم به دلیل پوشیدن مانتوی

سفید مورد ایراد قرار گرفت.

● روپوش مدرسه شما چه رنگی است؟

○ سرمه‌ای.

*

● خانم شما دانشجو هستید؟

○ بله

● چرا سراپا مشکی پوشیده‌اید؟

○ رنگ دیگری نمی‌توانم بپوشم. به دو

دلیل، یکی اینکه چاقم و دیگر اینکه نظام

اجتماعی این عمل را نمی‌پسندد.

● یعنی اگر فرد دیگری بدون داشتن

شرایط فیزیکی شما از رنگ روشن استفاده

کند، مسأله‌ای نیست؟

○ عملاً می‌بینیم که هست. مثلاً در

دانشگاه.

● چه کسی به این کار ایراد می‌گیرد؟

○ افکار عمومی.

● چه ایرادی می‌گیرند؟

○ پسرها معمولاً طرز تفکرشان در مورد

این دختر معلوم است. دخترها هم معتقدند که

او با پوشیدن این رنگ، قصد جلب توجه

آقایان را دارد. در حقیقت معیار قضاوت،

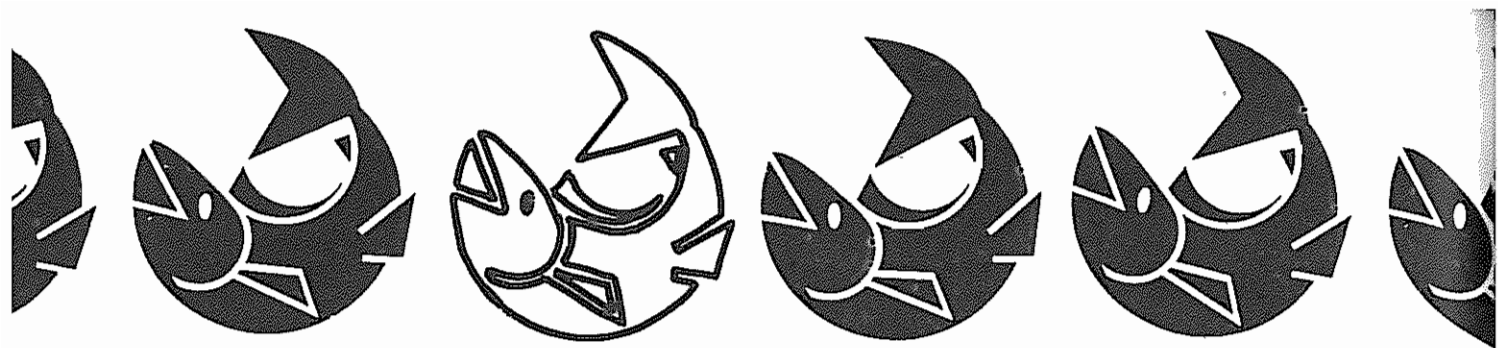
حول این محور دور می‌زند.

● چه کسی این طرز تفکر را ایجاد

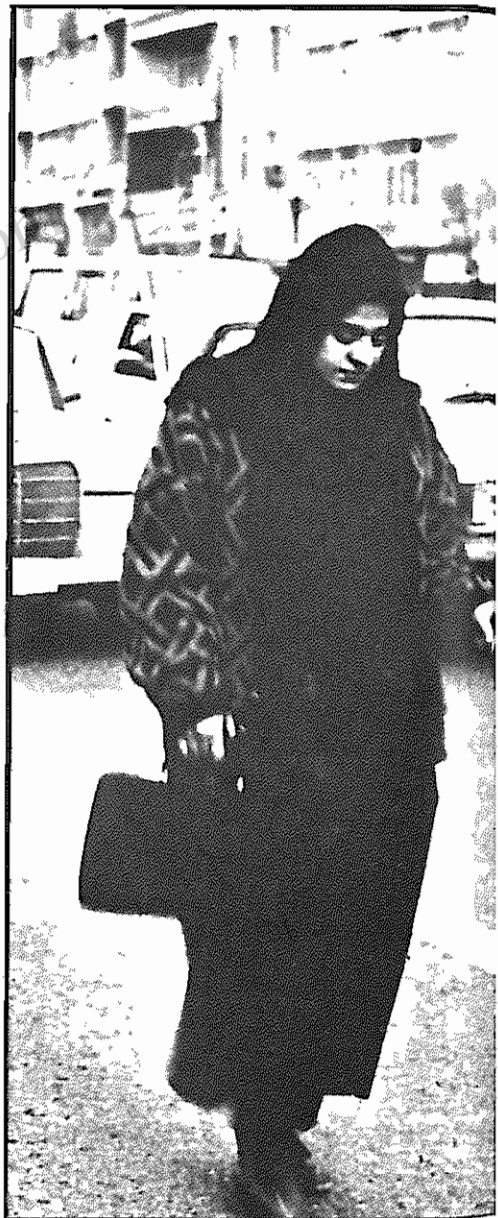
کرده؟

○ عوامل زیادی در این مسأله نقش





● چرا تصور می شود زنان در انتخاب رنگ هم باید محدود و تحت فشار دتا مبادا جامعه مثل جنگل شود و مردها به فانمهایی که روشن می پوشند، حمله ور شوند.



دارند. در درجه اول، طرز تربیت دخترها و پسرها در خانواده هاست. دیگر اینکه در جامعه کنونی ما، تیره پوشیدن دلیل وقار قلمداد می شود، بنابراین دخترها سعی می کنند با استفاده از رنگ تیره و سنگین، این ارزش را بیشتر حفظ کنند.

● پوشش رنگ روشن، و قار و متانت را از دخترها سلب می کند؟

○ نه.

● اگر با مانوی سفید رنگ به دانشگاه بروید، چه می شود؟

○ متلک شنیدن از افراد غریبه در مورد استفاده از رنگهای روشن آن قدر آزاردهنده نیست. ولی شنیدن همان حرف از آقای که با هم، همکلاس هستیم، بسیار سنگین و ناگوار است.

● بخشنامه صریحی در مورد عدم استفاده از رنگ روشن در دانشگاه وجود دارد؟

○ بله

● به چه دلیل آن را ممنوع کرده اند؟

○ نمی دانم.

● آقایان هم با محدودیتی در انتخاب رنگ مواجهند؟

○ نه.

● شما گرایشهای مذهبی دارید؟

○ بله. خیلی زیاد.

● فکر می کنید، استفاده از رنگ روشن، در مذهب افراد خللی وارد می کند؟

○ فکر نمی کنم، من در این مورد به روایتی برخورد کرده ام. فقط در مورد رنگ قرمز که مورد پسند شیطان است.

● پس هدف از آفرینش این رنگ چه بوده؟

○ استفاده ها متفاوت است. شاید این مسأله به خاطر این است که در مذهب ما شخصیت شمر همیشه با پوشش یک سره قرمز تصویر می شود. به نظر من، دین، در صدد تعیین محدوده رنگ لباسها نیست. این بر خلاف آزادی فردی است. من به شدت به

آزادی فردی اهمیت می دهم.

● آزادی فردی در مورد انتخاب رنگها چه چیزی را ایجاب می کند؟

○ هر کس در انتخاب رنگ کاملاً آزاد باشد. ولی متأسفانه، ما زنها از هر نظر آن قدر تحت فشار بوده ایم که آزادی انتخاب رنگ را از حقوق خود نمی شناسیم. و هر کس راجع به نوع و رنگ پوشش ما نظری می دهد.

*

● خانم، می توانم بپرسم چرا سرتاپا مشکی پوشیده اید؟

○ علت خاصی ندارد. شاید چون رنگ سنگینی است و در اجتماع نسبت به رنگهای دیگر پذیرفته شده تر است.

● چه کسی این ملاک پذیرش را تعیین کرده؟

○ فکر می کنم جامعه ای که ما هم عضوی از آن هستیم.

● شما با این رنگ موافقید؟

○ نه. در حقیقت من مجبور به پذیرش این مسأله هستم.

● خودتان چه رنگی را می پسندید؟

○ مسلماً رنگهای شاد و زنده. رنگهایی که در حالات روحی من تأثیر مثبت داشته باشد. قطعاً این رنگهای تیره، برای محیطهای کاری و آموزشی مناسب نیستند و باعث خستگی زودرس می شوند.

● فکر می کنید اگر اکثر خانمها سفید بپوشند، جامعه نمی پذیرد؟

○ اگر روزی خانمها بتوانند سفید بپوشند قطعاً من هم خواهم پوشید.

● آن روز اگر بین این جمعیت، چند نفر سیاه بپوشند، فکر می کنید نظر جامعه چه خواهد بود؟

○ خوب غیرعادی به نظر خواهد آمد. اما به نظر من این رنگها نیستند که مشکل آفرینند بلکه این هنجارهای اجتماعی هستند که ایجاد مشکل می کنند